

موی یک زن چسبیده‌اید؟! وقتی چنین حرفی از طرف یک روحانی بیان شود برای شکستن مرز زشتی این کار کافی است. همین رفتارها سبب می‌شود که مرزها تیره و مبهم شود. پس گام اول این است که تعریف معروف و تعریف منکر باید به روشنی صورت پذیرد.

در گام دوم تشویق به معروف و نهی و بازداشت از منکر است. بازداشت الزاماً به معنای استفاده از قوه زور و نیروی انتظامی نیست؛ مهم این است که بتوانیم قوه بازدارنده ذاتی را در افراد تقویت کنیم. این امر احتیاج به کار و تربیت و نیاز به تشویق و ترغیب دارد و در رابطه مستقیم با تربیت است. باید رسانه‌ها و تربیون‌ها در این جهت حرکت کنند که ۱. کاری را که پسندیده است، پسندیده معرفی کنند ۲. انسان‌ها را به انجام آن تشویق کنند ۳. کار زشت را معرفی کنند و از آن بازدارند. مردم و جوان‌ها باید زشتی کار را بدانند و ادراک

کنند. باید در مذاق اجتماع و مردم خوب را شیرین و بد را آزاردهنده و تلخ جلوه بدهیم تا روحیه خودبازداری از زشتی‌ها و خوداداری به سوی انجام وظایف و پسندیده‌ها در جامعه رشد پیدا کند.

### ابزارهای فرهنگ‌ساز

متأسفانه عواملی را که در ایجاد فرهنگ اسلامی وجود داشته، نتوانسته‌ایم تداوم بدهیم. گاهی عوامل گذرا بوده است، مثلاً شرایط جنگ یک عامل گذرا است. اما چه باید بکنیم که ارزش‌های دفاع مقدس تداوم پیدا بکند؟ باید به فکر این باشیم که چه ابزارهایی به کار ببریم؟ باید از ابزار ماندگار استفاده کنیم. اینکه خیلی از ارزش‌های دفاع مقدس کم‌رنگ شده به خاطر این است که عمده تکیه ما بر فضا سازی جنگ بود و نتوانستیم ارزش‌هایی را که در شرایط غیر فشار دشمن هم می‌تواند مفید باشد، با استفاده از ابزارهای ماندگار تداوم ببخشیم. حالا ۲۲ سال بعد از جنگ و دوران دفاع مقدس داستان‌های دفاع مقدس را می‌نویسیم. اما در سال‌های گذشته چقدر فیلم تهیه کردیم؟ چقدر توانسته‌ایم شعر و ادبیات کار کنیم؟ چقدر ظرفیت رسانه‌ای در این راستا کار کرده است؟ علت کم‌رنگ شدن آن ارزش‌ها این بوده که ابزارهایی را که باید به کار بگیریم، نگرفته‌ایم. صرفاً به فضا سازی جنگ و دفاع مقدس اعتماد و اکتفا کردیم. در ایام اولیه انقلاب هم برای جانداختن ارزش‌ها خواستیم از فضای شور انقلابی استفاده کنیم اما این فضا گذرا است و نباید به آن در ایجاد ارزش‌های عمومی اعتماد کنیم.

الآن هم در شرایط خاص ما و در مسئله‌ای مانند اقتصاد مقاومتی و یا مقاومت در برابر استکبار و آمریکا، زمانی روحیه مقاومت در جامعه ایجاد می‌شود و مرگ بر آمریکا می‌گوییم که فشاری بر ما وارد شود. در حالی که باید کاری کنیم که این روحیه مقاومت چه در حالت اضطرار و چه در حالت عادی همچنان در جامعه باشد. باید این ارزش‌ها را به آموزش و پرورش و مقوله‌های رسانه‌ای و اثرگذار تبدیل کنیم.



به هر حال رعایت قانون، رعایت مرزهای تربیتی است. البته این مرزها در کشورهای اسلامی فراتر از چیزی است که مجلس شورای اسلامی تعیین می‌کند و نهادها خودشان را ملزم به رعایت آن می‌کنند. ما باید در جامعه این مفهوم را ترویج کنیم که همه باید پایبند به قانون شرع باشیم. شاید در قانون برای غیبت کردن، ماده‌ای نداشته باشیم که کیفری بر آن مشخص کند یا مثلاً برای دروغ گفتن و یا چشم‌چرانی و یا آزارسانی به حقوق دیگران. شاید نتوان مرز و کیفر مشخص کرد ولی در شرع مرز مشخص شده و کیفر الهی آن هم معین گردیده است.

اگر بتوانیم الگوی تربیتی معین کنیم که بر اساس آن آموزگار و پدر و مادر طوری فرزند را تربیت کنند که او بتواند خود را در مرزهای تربیتی نگه دارد، تربیت اسلامی جاری می‌شود. اگر بتوانیم مرزهای رفتاری (بایدها و نبایدها) را در

جامعه جا بیندازیم و از بایدها و نبایدهای بزرگ شروع کنیم و به تدریج بایدها و نبایدهای خرد و دارای مفهده کمتر را بیندازیم و اگر جامعه را بر پایداری به این مرزها عادت بدهیم و اگر یک جامعه از نظر روحی این چنین تربیت شد که مرزها را رعایت کند، به تربیت نسلی انسان می‌رسیم.

پس مهم‌ترین شاخص تربیتی در اسلام این است که این مرزها بتواند رفتار انسان را شکل بدهد. همان چیزی که در واژگان قرآنی و فرهنگ دینی ما از آن به تقوا تعبیر می‌شود. البته هرچه رفتارهای اجتماعی اشکال گوناگون و جدیدی پیدا می‌کند، مصادیق جدیدی نیز پیدا می‌شود ولی روح و جان مطلب همین است.

### گام‌های آغازین

تربیت نسل؛ یعنی تربیت روح جمعی. وقتی می‌گویید نسل، یعنی روح جمعی. نسل، شامل کودکان و نوجوانان و جوانان می‌شود. وقتی از این مرحله از سن بگذریم دیگر آن روح جمعی شکل گرفته و کمتر قابلیت تغییر دارد. لذا روح جمعی تربیت شونده شامل این دوره‌های سنی است و روح انسان در این بازه، قابلیت ساخت دارد. البته ابتدا باید الگوها را معین کنیم. یعنی همان معروف و منکر که در قرآن به آن اشاره شده و گوهر فرهنگ جامعه است. اول باید مرز پسندیده و ناپسند کاملاً معلوم شود. این وظیفه رسانه و آموزش و پرورش و اهل منبر است و همه کسانی که با روح جمعی جامعه در ارتباطند و به شکلی از قدرت بیان و از تربیون‌های بیان برخوردارند.

الآن در جامعه پدیده ناسالمی وجود دارد که بعضی از خانم‌ها مرز کامل حجاب را رعایت نمی‌کنند، آقایان هم همین‌طور در پوشش و آرایششان مرزهای شرعی را رعایت نمی‌کنند. یکی از دلایل این مسأله این است که مرزها هنوز کاملاً مشخص نشده است! خیلی از این‌ها که حجاب کاملی ندارند، می‌گویند مهم نیست و معلوم نیست شرع ما را به این طاعت ملزم کرده باشد. هنوز جا نیفتاده که این کار زشت است. یکی از روحانیون در یک مجمعی صحبت می‌کرد که چرا به یک تار